Archive of SID

مجله‌ی بوستان ادب
دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، پیاپی ۵۸/۱
(مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)

بررسی عنصر شخصیت در حکایت‌های بوستان سعدی

دکتر اکبرصیادکوه* آزاده نجفیان پریسا ظهیرامامی*****
دانشگاه شیراز

چکیده

بلاغت و رسایی سخن شیخ اجل با عوامل متعددی پیوند دارد. او از هر فرصتی برای به اوج رساندن کلام خود و تسخیر بیشتر مخاطب بهره می‌جوید. اگرچه هدف اصلی سعدی حکایت پردازی نبوده است، بلکه از حکایت بیشتر به عنوان ابزاری برای تبیین دقیق‌تر اهداف تعلیمی و تربیتی خویش و همراه کردن مخاطب با خود بهره می‌گیرد، اما باریک بینی‌ها و ظرافت‌کاری‌های آگاهانه‌ی او در گزینش افراد یا اشخاص و عناصر حکایت‌ها نیز در بلاغت جویی او بی‌تاثیر نیست.

بوستان یا سعدی نامه از مثنوی‌های مشهور و تاثیرگذار تعلیمی- تمثیلی ادب پارسی و به اعتقاد برخی از سعدی پژوهان، برجسته‌ترین اثر شیخ اجل است. سعدی در این مثنوی برای رسانیدن پیام‌های خود، از ابزار و رسانه‌ی پرتاثیر «حکایت» بهره‌ی فراوان برده است. در مجموع، ۱۸۳ حکایت یا حکایت‌واره‌ی کوتاه و بلند در بوستان - براساس نسخه‌ی مرحوم یوسفی- وجود دارد که بی‌تردید از لحاظ هنری و زیبایی‌شناسی

---

* دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی
** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
*** دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۳/۲ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/٤/۱

www.SID.ir

Archive of SID

همه در یک پایه نیستند.

این مقاله به فراوانی افراد یا اشخاص اصلی حکایت‌های بوستان اختصاص یافته است و نگارندگان با تسامح در برخی از موارد، برای بیان منظور خود از واژگان یا اصطلاحاتی چون «شخصیت»، « پویایی» و «ایستایی» که در واقع، بیشتر به حوزه‌ی داستان نویسی نوین تعلق دارد، کمک گرفته‌اند.در هر حال، منظور از واژه‌ی «شخصیت» عنصری است که رویدادها، کنش‌ها یا محادثه‌ها در پیرامون وجود او شکل می‌گیرند. در مجموع، این مقاله نشان می‌دهد که:

۱. در حکایت‌های بوستان چه گونه‌ای از شخصیت‌ها، نمود بیشتری دارند؟

۲. پویایی و ایستایی شخصیت‌های اصلی حکایت‌های بوستان چگونه است؟

۳. در میان شخصیت‌های انسانی، چه کسری به زنان و چه اندازه‌ای به مردان اختصاص یافته است؟

۴. چه تعداد از شخصیت‌های اصلی بوستان چهره‌ی مثبت و چه‌قدر چهره‌ای منفی دارند؟

۵. سهم شخصیت‌های مذهبی- عرفانی، تاریخی- اسطوره‌ای و تمثیلی چه‌قدر است؟

واژه‌های کلیدی: ۱. سعدی ۲. بوستان ۳. عنصر شخصیت ۴. مثبت ۵. منفی ۶. مرد ۷. زن

۱. مقدمه

در میان مثنوی‌های تعلیمی- تمثیلی زبان فارسی، بوستان یا سعدی‌نامه، جایگاهی ویژه دارد. درباره‌ی جایگاه و اهمیت این مثنوی فراوان گفته‌اند. برخی آن را «هنری‌ترین و شاعرانه‌ترین مثنوی حکمی- اخلاقی در ادب پارسی می‌دانند.» (دادبه، ۱۳۸۴: ۸) و بعضی معتقدند که این مثنوی «به ظاهر چنان ساده می‌نماید که حتی بسیاری از ادبا در شرح و بررسی خود به ژرف ساخت هنری آن توجه نکرده‌اند.» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۱۳) همچنین مرحوم دشتی در کتاب «در قلمرو سعدی»، بوستان را جزو هنری‌ترین آثار ادبی یا دست‌کم در شمار معدود آثار برجسته‌ی ادبی قلمداد

www.SID.ir

Archive of SID

می‌کند. درباره‌ی اهمیت این مثنوی همین بس که اکثر سعدی‌پژوهان آن را با گلستان مقایسه کرده‌اند و برخی آن را در مقام برتری نشانده‌اند.

ساختار این مثنوی شبیه ساختار حدیقه‌ی سنایی است. سعدی مطالب این مثنوی را بعد از یک مقدمه‌ی نسبتا بلند در موضوع‌های تحمیدیه، ستایش پیامبر(ص) و پیشوایان دین، سبب نظم کتاب و مدح ابوبکر بن سعد زنگی و سعدبن ابوبکربن سعد، در ده باب گنجانده است که حجم این باب‌ها متفاوت است. سعدی به جز باب اول و پنجم، بقیه‌ی باب‌ها را با یک مقدمه‌ی نسبتا کوتاه آغاز کرده و بعد از آن، برای تبیین و تاثیر بیشتر منظورهای خود، حکایت‌های پی‌درپی آورده است. اما حکایت‌های بوستان همه از نظر سادگی و پیچیدگی و ریخت و ساختار، از یک گونه نیستند. «برخی از حیث داستانی تکامل یافته‌ترند؛ از جمله از تعداد اشخاص بیشتر و حوادث متنوع‌تری برخوردارند» (غلام، ۱۳۸۲: ۲۷) «و برخی که چنین ویژگی‌هایی را ندارند تا حد یک حکایت‌واره نزول می‌کنند.» (همان، ۱۹) شایان یادآوری است که در این مقاله هر دو گونه‌ی حکایات مورد نظر بوده است. به عبارت دیگر، هر قطعه‌ای که عنوان حکایت داشته است، آن را در شمار حکایت پنداشته‌ایم.

درباره‌ی جنبه‌های هنری این مثنوی نیز فراوان سخن گفته‌اند؛ از جمله: «بیشتر حکایت‌های سعدی در بوستان، ظاهری ساده و بیانی هنرمندانه دارند.» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۲۲) درباره‌ی میزان هنری بودن یکی از حکایت‌های باب چهارم (حکایت ملک‌زاده‌ی گنجه) شمیسا گفته است: «شرح هنرنمایی‌های استاد در این ابیات محتاج رساله‌ای است.» (همان، ۲۱۵) به‌راستی این ظرافت‌ها و ریزه‌کاری‌ها به چه اموری وابسته است؟ پاسخ آسانی در دست نیست. فقط می‌توان گفت این هنرنمایی‌ها به امور فراوانی مربوطند. نگارندگان این مقاله اعتقاد دارند بخشی از این زیبایی‌ها و دل‌ربایی‌ها به باریک‌اندیشی و ظرافت‌کاری‌های سعدی در گزینش افراد یا شخصیت‌های حکایت‌ها و شیوه‌ی تعامل آن‌ها با دیگر عناصر حکایت، پیوند دارند. در ادامه، ضمن ارائه‌ی فراوانی گونه‌های مختلف افراد یا شخصیت‌ها در بوستان، به برخی از ظریف‌کاری‌های سعدی در این باره اشاره خواهد شد.

فراوانی حکایت‌های بوستان سعدی براساس نسخه‌ی مصحح مرحوم یوسفی که بر بنیاد آن این پژوهش هم سامان گرفته، به شرح زیر است:

www.SID.ir

Archive of SID

دیباچه: ۱ حکایت	باب اول: ۲۷ حکایت	باب دوم:۲۷ حکایت
باب سوم: ۲۳ حکایت	باب چهارم: ۲۷ حکایت	باب پنجم: ۱۳ حکایت
باب ششم: ۱۳ حکایت	باب هفتم: ۲۲ حکایت	باب هشتم: ۹حکایت
باب نهم: ۱۸ حکایت	باب دهم: ۳ حکایت	

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، در این مثنوی بر اساس نسخه‌ی مرحوم یوسفی ۱۸۳ حکایت وجود دارد. هدف این پژوهش بررسی شخصیت‌های اصلی در این حکایت‌هاست. یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که اصولا در نوع ادبی حکایت، به علت کوتاهی آن، مجال چندانی برای شخصیت‌گزینی و به ویژه شخصیت پردازی وجود ندارد؛ بنابراین به کاربردن این اصطلاحات در معنای مصطلح امروزی که بیشتر در حوزه‌ی داستان‌نویسی به کار می‌رود، از روی ناگزیری است و چندان خالی از تسامح نیست. برخی از پژوهش‌گران جدید ضمن به کاربردن این اصطلاحات در نقد و تحلیل متون قدیم، بدین ناگزیری اشاره کرده‌اند. (یوسفی، ۱۳۸۵: ۲۷) همچنین «کاربرد اصطلاح شخصیت character برای تشخیص حکایت‌های بوستان، کاملا با تسامح صورت می‌گیرد.» (غلام، ۱۳۸۲: ۲۹). برخی از پژوهش‌گران درباره‌ی شخصیت پردازی سعدی در بوستان اشاره کرده‌اند: «... در برخی از حکایت‌های بوستان، شخصیت‌پردازی چندانی وجود ندارد و گره‌گشایی‌هایشان موجب شگفتی خواننده نمی‌شود.» (بهپور، ۱۳۷۵: ۴) البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که سعدی اغلب با هنرمندی خاصی شخصیت یا افراد دخیل در حکایت‌های خود را برمی‌گزیند و اگرچه براساس اصول داستان‌نویسی نوین چندان به امر شخصیت‌پردازی توجهی نشان نمی‌دهد ولی در بیشتر موارد با شگردهای خاص و با بهره‌گیری از شیوه‌ی بیان پرتاثیر خود، این کاستی را جبران می‌کند.

برای نمونه در حکایت کوتاه زیر، عناصر و افراد دخیل در حکایت با شگردی هنری برگزیده شده‌اند و با پایان یافتن حکایت، حس شگفتی(اعجاب) و در نتیجه زیبایی سنجی ویژه‌ای به مخاطب دست می‌دهد:

یکی بربطی در بغل داشت، مست
به شب در سر پارسایی شکست

www.SID.ir

Archive of SID

چـــو روز آمـــد آن نیـــک مـــرد ســـلیم
بـــر ســـنگدل بـــرد یـــک مـــشت ســـیم
کـــه:« دوشـــینه معـــذور بـــودی و مـــست
تـــو را و مـــرا بـــربط و ســـر شکـــست
مـــرا بـــه شـــد آن زخـــم و برخاســـت بـــیم
تـــو را بـــه نخواهـــد شـــد الا بـــه ســـیم
از ایـــن دوســـتان خـــدا بـــر ســـرند
کـــه از خلـــق بـــسیار بـــر ســـر خورنـــد

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود در این حکایت کوتاه پنج بیتی که یک بیت آن هم به نتیجه‌گیری سعدی اختصاص یافته است، شخصیت‌ها و عناصری حضور دارند (مست، پارسا، بربط) که در عالم واقع، بسیار متباین به نظر می‌رسند و امکان سازگاری آن‌ها در جهان واقع بسیار کم اتفاق می‌افتد، اما سعدی با یک آشنایی‌زدایی خاص و هنری، این دو شخصیت «پارسا» و «مست» را هنرمندانه به هم گره زده است تا پیام او را به خوبی انتقال دهند. پارسا بر اساس آن‌چه در عالم واقع دیده می‌شود و انتظار آن هم می‌رود، با شراب و شراب‌خواری و حتی بربط و بربط‌نوازی نه تنها میانه‌ای ندارد، بلکه آن را حرام هم می‌پندارد و بالطبع باید در برابر فرد مستی که سر او را هم شکسته، عکس‌العمل شدیدتری از خود نشان دهد؛ چون احکام شرعیِ آن را می‌داند و هم وظیفه دارد با منکر مبارزه کند ولی با کنش غیرمنتظره‌ای که روی می‌دهد، شکنجی خاص در روند حکایت اتفاق می‌افتد و در نتیجه، پارسا شخصیت ویژه‌ای می‌یابد و مخاطب هم از این آشنایی زدایی و هنجار گریزی به اوج لذت هنری دست می‌یابد.

سعدی در این حکایت برای پروراندن شخصیت اصلی حکایت خود از دو راه توصیف مستقیم و غیرمستقیم بهره برده است؛ یعنی با آوردن صفت‌های مثبتی چون «نیک» و «سلیم» شخصیت پارسا را به طور مستقیم معرفی کرده است اما به طور غیرمستقیم یعنی از راه بیان کنش‌های او، این شخصیت بیشتر پرورده شده است. به راستی از این‌گونه حکایت‌ها در بوستان کم نیستند؛ بنابراین باید سهم این شگردها را

www.SID.ir

Archive of SID

در برخی حکایات بوستان از عواملی دانست که در آراستگی و زیبایی آن بی‌تاثیر نبوده است.

نـدانم کـه گفـت ایـن حکایـت بـه مـن
کـه بـوده اسـت فرمانـدهی در یمـن

شخصیت اصلی این حکایت، یک فرمانده‌ی یمنی است که همچـون حـاتم طـایی دست و دل باز است و دوست دارد به صفت سخاوت و بخشندگی میان مـردم شـهره شود اما چنین نمی‌شود. روزی مردم را بر سر سفره‌ی خویش می‌بیند که از بخـشندگی حاتم سخن می‌رانند. بر می‌آشوبد و تصمیم می‌گیرد رقیب را به طـور کامـل از صـحنه خارج کند تا شاید به آرزوی خود دست یابد. فردی را روانه‌ی زادگاه حاتم می‌کند تا او را بکشد و سرش را بر فتراک زین ببندد و برای او بیاورد. فرستاده راه می‌افتد و به طور اتفاقی حاتم را می‌یابد و مهمان او می‌شود، در حالی که او را نمی‌شناسد و نمی‌داند که حاتم است. میزبان آن‌چه شرط میزبانی است بـه کمـال بـه‌جـا مـی‌آورد. روز بعـد کـه فرستاده می‌خواهد با حاتم خداحافظی کند، حاتم به او می‌گویـد امـر دیگـری نـداری؟ فرستاده پاسخ می‌دهد: «انتظار دارم در یک موضوع که باید پوشیده هـم بمانـد، مـن را کمک کنی!» می‌گوید «چه موضوعی است؟» و جواب می‌شـنود: «فرمانـده‌ی یمـن سـر حاتم را از من خواسته است، تو حتما حاتم را می‌شناسی. جوانمردی کن و او را به من نشان بده!» آن جوانمرد که در واقع خود، حاتم است، سر برخاک می‌گذارد و می‌گویـد: «من حاتم هستم تا وقت نگذشته و مانعی پیش نیامده سر من را جدا کن که به منظـور خود برسی!»

فرستاده در برابر این همه جوانمردی، از کرده و خواسته‌ی خود پشیمان می‌شود و دست خالی به نزد فرمانده باز می‌گردد و از آن‌چه پیش آمده پرده بر می‌دارد. فرمانده‌ی یمن هم با شنیدن این گزارش، از کرده‌ی خود پشیمان می‌شود، نظرش تغییر می‌کنـد و در نهایت: «شهنشه ثنا گفت بر آل طی» (بوستان، ۱۳۸۴: ۹۲)

و اما قبل از ارائه‌ی فراوانی شخصیت‌ها در بوستان، یـادآوری چنـد نکتـه‌ی زیـر ضروری می‌نماید:

نکته‌ی اول: ما در این پژوهش به این موضوع که حکایت‌های مورد بحث سـاخته و پرداخته‌ی خود سعدی است یا از پیشینیان گرفته یا در آن دخل و تـصرف کـرده یـا

www.SID.ir

Archive of SID

نکرده توجه نداشته‌ایم؛ چون این مساله خود، موضوع دامنه‌دار دیگری است. در هر حال، فرض ما این بوده که سعدی اگر موضوع یا حکایتی را از دیگران گرفته، چنان آن را با جوهره‌ی هنری خود در آمیخته که گویا نشان خود را بر آن زده است ؛ برای نمونه، اگر به شیوه‌ی بازآفرینی سعدی در حکایت معروف «فقیهی کهن جامه‌ای تنگدست» بنگریم و آن را با آن‌چه که در اصل روایت آمده مقایسه کنیم، متوجه جوهره‌ی هنری کار سعدی می‌شویم. سعدی احتمالا این حکایت را از نصیحه الملوک امام محمد غزالی برگرفته ولی در شخصیت‌پردازی و شخصیت‌گزینی آن چنان دخل و تصرف کرده که در پایان حکایت، با یک آشنایی‌زدایی هنری، تحسین و رضایت مخاطب را احساس می‌کنیم (ر.ک: غزالی، ۱۳۶۷: ۲۴۹-۲۵۱) سعدی در ساختار، شخصیت و عناصر این حکایت تصرفات زیادی کرده تا آن را این‌چنین دلنشین کرده و توانسته حکایت را به حوزه‌ی بازآفرینی ادبی وارد کند. برخی از این دستکاری‌ها عبارتند از:

- در حکایت سعدی جای مامون را یک قاضی گرفته است.
- به جای فردی غریب که به مجلس مامون وارد می‌شود، «فقیه کهن جامه» می‌نشیند.
- فرد غریب در مجلس مامون در «پس مردمان» و «به جایی مجهول» می‌نشیند، در حالی که فقیه کهن جامه‌ی سعدی، در صف اول می‌نشیند و با اعتراض «معرف» مواجه می‌شود که او را وامی‌دارد تا سر جای خود بنشیند.
- در بازآفریده‌ی سعدی، قاضی دستار «پنجه گزی» خود را برای فرد کهن جامه می‌فرستد ولی در حکایت اصلی، این رویداد وجود ندارد و سعدی با این شگرد، عمق بیشتری به منظور خود بخشیده است.
- در پایان حکایت سعدی، کهن جامه با زرنگی ناپدید می‌شود؛ درپی اش می‌افتند و نمی‌یابندش. کسی می‌گوید از این نوع شیرین سخن فقط سعدی را می‌شناسیم و...

استفاده‌ی هوشمندانه از شخصیت نوعی به جای شخصیت تاریخی در بازآفرینی این حکایت، ذهن مخاطب را برای حدس زدن آزاد می‌گذارد و او را از شک و درگیری ذهنی برای تطبیق داستان با تاریخ و واقعیت نجات می‌دهد و از جنبه‌ای دیگر، آمادگی او را برای غافل‌گیری بیشتر در انتهای داستان بالا می‌برد. بی‌تردید شیوه‌ی

www.SID.ir

Archive of SID

توصیف سعدی از شخصیت اصلی در این حکایت، یعنی با همراه کردن صفات: فقیه، کهن‌جامه و تنگدست، با آگاهی و ظرافت صورت پذیرفته و در زیبایی آن موثر واقع شده است.

نکته‌ی دوم این‌که شخصیت‌های حکایت‌های بوستان را بر اساس ویژگی‌های اصلی آن‌ها، در چهار دسته‌ی: نوعی یا تیپیک، مذهبی- عرفانی، تاریخی- اسطوره‌ای و تمثیلی دسته‌بندی کرده‌ایم و برای استفاده‌ی بیشتر در جدول‌های مربوط، در مقابل هر یک از آن‌ها، جنس، پویایی یا ایستایی و چهره‌ی مثبت یا منفی آن‌ها را در حکایت مشخص کرده‌ایم. فراوانی شخصیت‌های اصلی حکایت‌ها و شیوه‌ی توزیع آن‌ها نخست باب به باب و در نهایت به صورت کلی در همه‌ی بوستان نموده شده و برخی از نتایجی که از این موضوع حاصل می‌شود، در بخش نتیجه‌گیری فراهم آمده است. اگر می‌خواستیم درباره‌ی ظرایف و شگردهای سعدی در این حوزه گفت‌وگو کنیم، سخن دراز دامن می‌شد و بی‌تردید مجال یک کتاب را می‌طلبید. به همین علت از توضیح مطالب پرهیز شد و اطلاعات فقط در قالب جدول ارائه گردید.

واپسین مطلب این‌که موضوع‌های: «پویایی و ایستایی»، «مثبت و منفی» بودن و جنسیت، در برخی از شخصیت‌های حکایت‌ها مطرح نیست. بنابراین در این‌گونه موارد در جدول، برابر چنین شخصیت‌هایی نشانه‌ای نگذاشته‌ایم و در آمارهای مربوط نیز چنین شخصیت‌هایی را دخالت نداده‌ایم. یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که دو اصطلاح «پویایی» و «ایستایی» در این مقاله خالی از تسامح نیست و منظور ما از پویا در این مقاله شخصیتی است که تحولی در کنش یا گفتار وی در طول حکایت مشاهده شده است و برعکس، شخصیت ایستا شخصیتی است که از آغاز تا پایان حکایت تغییری در فکر یا گفتار و رفتار او مشاهده نمی‌شود.

۲. نمایه‌ی شخصیت‌های نوعی بوستان به ترتیب باب‌ها

گسترده‌ترین گونه‌ی شخصیت در بوستان سعدی، «شخصیت نوعی یا تیپیک» است که بی‌تردید گزینش چنین شخصیت‌هایی می‌تواند دامنه‌ی شمول فعل‌ها و رفتارها را گسترش بیشتری دهد که این پدیده با اهداف سعدی پیوندی عمیق دارد. البته منظور ما از شخصیت نوعی در این مقاله به معنی اصطلاحی آن که در حوزه‌ی داستان‌نویسی

www.SID.ir

Archive of SID

نوین کاربرد دارد نیست، بلکه این شخصیت‌ها بیشتر افرادی هستند که نماینده‌ی قشر یا طبقه‌ی اجتماعی خود هستند و نمادی از ارزش‌ها و ضدارزش‌های زمانه‌ی خود به شمار می‌آیند؛ مثلا شخصیت نوعی صاحب‌دل، نماینده‌ی قشری است با یک ویژگی فکری و رفتاری خاص. به همین ترتیب، شخصیت‌هایی چون عاشق، مست، فقیه، فرزانه‌ی حق‌پرست، صوفی، شیخ و... بیشتر نماینده‌ی یک طبقه یا گروه هستند و شاید به تعریف شخصیت قالبی نزدیک‌تر باشند.

شایان یادآوری است بسیاری از عنوان‌های شخصیت‌های نوعی بوستان، صفتی هستند که به جای اسم یا موصوف نشسته‌اند و این خود تا حدود زیادی در شناخت ویژگی‌های آن تیپ یا نوع کمک می‌کند. در جدول‌های زیر، این‌گونه شخصیت به ترتیب باب‌ها ملاحظه می‌شود:

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۱	صاحب‌دل	دیباچه	۳۵	مرد	*		*		شخصیت قالبی[1]
۲	بازرگان	۱	۴۳	مرد	*		*		وصف
۳	مسافر از دریای عمان برآمده	۱	۴۶	مرد		*	*		وصف
۴	فرمانده‌ی دادگر	۱	۵۲	مرد	*		*		صفت
۵	سلطان روم	۱	۵۵	مرد	*		*		وصف
۶	خدادوست	۱	۵۶	مرد	*		*		صفت
۷	دوست سعدی در قحطی دمشق	۱	۵۸	مرد	*		*		وصف
۸	دکان‌دار	۱	۵۹	مرد	*			*	وصف
۹	برادر نیکوکار	۱	۶۰	مرد		*	*		وصف
۱۰	کله‌ی فرمانده	۱	۶۲	مرد					وصف
۱۱	گزیری	۱	۶۲	مرد	*			*	وصف
۱۲	نیکمرد	۱	۶۳	مرد			*		صفت
۱۳	پادشاه	۱	۶۴	مرد		*			وصف
۱۴	امیر اجل	۱	۶۵	مرد	*		*		صفت

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۱۵	دیوانه‌ی هوشیار	۱	۶۶	مرد					شخصیت قالبی
۱۶	پادشاه غور	۱	۶۷	مرد		*			وصف
۱۷	نیک‌مرد فقیر	۱	۷۰	مرد	*		*		صفت
۱۸	مشت‌زن	۱	۷۱	مرد		*	*		وصف
۱۹	شیخ روزگار	۱	۷۲	مرد					شخصیت قالبی
۲۰	شخص نیکوکار یاری دهنده‌ی یتیم	۲	۸۰	مرد	*		*		وصف
۲۱	صاحب‌دل	۲	۸۲	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۲۲	جوانمرد بخشنده	۲	۸۳	مرد	*		*		وصف
۲۳	شوهر	۲	۸۳	مرد	*		*		وصف
۲۴	پیر بسیارعبادت کننده	۲	۸۳	مرد		*	*		وصف
۲۵	همسر سرهنگ سلطان	۲	۸۴	زن	*		*		وصف
۲۶	جوانمرد	۲	۸۴	مرد		*	*		صفت
۲۷	جوانمرد یاری دهنده‌ی سگ	۲	۸۵	مرد		*	*		وصف
۲۸	سایلی که توان‌گر شد	۲	۸۶	مرد		*	*		وصف
۲۹	جوان	۲	۸۸	مرد	*		*		وصف
۳۰	درویش شوریده‌رنگ	۲	۸۸	مرد		*	*		وصف
۳۱	مرد پاکیزه بوم	۲	۸۹	مرد	*			*	صفت
۳۲	اجیرشده پادشاه یمن	۲	۹۰	مرد		*	*		وصف

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۳۳	شخصی که خرش در گل مانده	۲	۹۳	مرد	*	*	*		وصف
۳۴	مرد پوشیده‌چشم	۲	۹۳	مرد	*	*	*		وصف
۳۵	پدر	۲	۹۴	مرد		*	*		وصف
۳۶	پدر ملک‌زاده	۲	۹۴	مرد	*		*		وصف
۳۷	پسر فرد بخیل	۲	۹۵	مرد				*	وصف
۳۸	پیرمرد	۲	۹۶	مرد			*		وصف
۳۹	فرد بهشتی	۲	۹۷	مرد			*		وصف
۴۰	شوهر	۲	۹۸	مرد	*		*		وصف
۴۱	گدازاده‌ی عاشق	۳	۱۰۱	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۴۲	پری پیکر	۳	۱۰۲	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۴۳	شوریده	۳	۱۰۳	مرد					شخصیت قالبی
۴۴	عاشق	۳	۱۰۴	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۴۵	تشنه	۳	۱۰۴	مرد	*		*		صفت
۴۶	گدای پیر	۳	۱۰۵	مرد		*	*		وصف
۴۷	پیر شب زنده دار	۳	۱۰۵	مرد	*		*		وصف
۴۸	پدر	۳	۱۰۶	مرد	*		*		وصف
۴۹	نوعروس جوان	۳	۱۰۶	زن		*	*		وصف
۵۰	دردمند غریب عاشق	۳	۱۰۷	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۵۱	جنگ‌جو	۳	۱۰۷	مرد		*			وصف
۵۲	پسرعمو	۳	۱۰۷	مرد			*		وصف
۵۳	شوریده حال	۳	۱۰۷	مرد	*		*		شخصیت قالبی

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۵۴	رئیس ده	۳	۱۱۰	مرد	*		*		وصف
۵۵	پیر مبارک‌نهاد	۳	۱۱۰	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۵۶	عاشق	۳	۱۱۱	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۵۷	پدر شکرلب جوان	۳	۱۱۲	مرد		*	*		وصف
۵۸	جوان خردمند پاکیزه بوم	۴	۱۱۵	مرد	*		*		صفت
۵۹	گنهکار برگشته‌بخت	۴	۱۱۷	مرد		*	*		وصف
۶۰	فقیه کهن جامه	۴	۱۱۸	مرد		*	*		وصف
۶۱	پادشاه‌زاده‌ی گنجه	۴	۱۲۰	مرد		*	*		وصف
۶۲	مرد گران‌جان	۴	۱۲۳	مرد		*			صفت
۶۳	فرزانه‌ی حق‌پرست	۴	۱۲۳	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۶۴	پدر	۴	۱۲۳	مرد	*		*		وصف
۶۵	خواجه‌ی نیکوکار	۴	۱۲۴	مرد	*		*		صفت
۶۶	صاحب‌دل	۴	۱۲۶	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۶۷	نوآموز علم نجوم	۴	۱۲۸	مرد		*	*		وصف
۶۸	بنده	۴	۱۲۸	مرد	*		*		وصف
۶۹	عارف ژنده‌پوش	۴	۱۲۹	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۷۰	زاهد تبریزی	۴	۱۳۰	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۷۱	ساده‌دل عاشق	۴	۱۳۱	مرد	*		*		شخصیت قالبی

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۷۲	نیک‌مرد سلیم	۴	۱۳۲	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۷۳	دانای وخش	۴	۱۳۲	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۷۴	خوب‌کردار	۴	۱۳۴	مرد	*		*		صفت
۷۵	مرد جنگاور	۵	۱۳۶	مرد		*	*		وصف
۷۶	مردآهنین‌پنجه‌ی اردبیلی	۵	۱۳۸	مرد		*	*		وصف
۷۷	طبیب	۵	۱۳۹	مرد					وصف، کنش
۷۸	پیر جهان‌دیده	۵	۱۳۹	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۷۹	مفلس	۵	۱۴۰	مرد	*		*		وصف
۸۰	پسر	۵	۱۴۰	مرد	*		*		وصف
۸۱	شوهر	۵	۱۴۰	مرد	*		*		وصف
۸۲	مرد درویش در خاک کیش	۵	۱۴۰	مرد	*		*		وصف
۸۳	شاگرد منسوج‌باف	۵	۱۴۱	مرد	*		*		وصف
۸۴	طفل روزه‌دار	۵	۱۴۲	مرد	*		*		وصف
۸۵	سیه‌کار	۵	۱۴۳	مرد				*	صفت
۸۶	مرد پرطمع	۶	۱۴۶	مرد				*	صفت
۸۷	صاحب‌دل بیمار	۶	۱۴۷	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۸۸	مرد شکم‌باره	۶	۱۴۷	مرد	*		*		وصف
۸۹	صوفی	۶	۱۴۸	مرد	*		*		وصف
۹۰	صاحب‌دل زیباسرشت	۶	۱۴۸	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۹۱	مرد روشن‌ضمیر	۶	۱۴۸	مرد	*		*		شخصیت قالبی

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۹۲	مرد فقیر	۶	۱۴۸	مرد		*	*		وصف
۹۳	زن(مادر)	۶	۱۴۹	زن		*	*		وصف
۹۴	صاحب‌دل نیک‌مرد	۶	۱۵۰	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۹۵	شیخ	۶	۱۵۰	مرد		*	*		شخصیت قالبی
۹۶	عاشق	۶	۱۵۱	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۹۷	خوب‌خلق خلق‌پوش	۷	۱۵۵	مرد		*	*		صفت
۹۸	مرد ناسزاگو	۷	۱۵۵	مرد		*	*		وصف
۹۹	مرید	۷	۱۵۶	مرد		*	*		وصف
۱۰۰	دوکس(فتنه‌جو، خویشتن‌دار)	۷	۱۵۶	مرد					وصف
۱۰۱	پیر پسندیده	۷	۱۵۷	مرد		*	*		وصف
۱۰۲	مرید داود طایی	۷	۱۵۸	مرد		*	*		وصف
۱۰۳	داننده‌ی سرفراز	۷	۱۵۸	مرد	*		*		شخصیت قالبی
۱۰۴	غیبت‌کننده حجاج	۷	۱۵۹	مرد		*	*		وصف
۱۰۵	پارسای صاحب‌نظر	۷	۱۵۹	مرد	*		*		وصف
۱۰۶	عابد	۷	۱۶۰	مرد		*	*		وصف
۱۰۷	طریقت‌شناس غیبت‌کننده	۷	۱۶۰	مرد		*	*		وصف
۱۰۸	دزد	۷	۱۶۱	مرد					صفت
۱۰۹	صوفی	۷	۱۶۴	مرد	*		*		وصف
۱۱۰	شوهر جوان	۷	۱۶۴	مرد		*	*		وصف
۱۱۱	بازرگان	۷	۱۶۶	مرد		*	*		وصف
۱۱۲	مادر	۸	۱۷۲	زن	*		*		وصف

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۱۱۳	ملک‌زاده	۸	۱۷۳	مرد		*	*		وصف
۱۱۴	دزد	۸	۱۷۵	مرد	*		*		صفت
۱۱۵	فقیر برهنه‌تن	۸	۱۷۶	مرد		*	*		وصف
۱۱۶	عابر	۸	۱۷۶	مرد		*	*		وصف
۱۱۷	از راه بازمانده	۸	۱۷۶	مرد		*	*		صفت
۱۱۸	مست	۸	۱۷۸	مرد			*		صفت
۱۱۹	پیرمرد	۹	۱۸۲	مرد			*		وصف
۱۲۰	کهن‌سال	۹	۱۸۳	مرد	*		*		وصف
۱۲۱	عزادار	۹	۱۸۵	مرد		*	*		وصف
۱۲۲	پارساسیرت حق‌پرست	۹	۱۸۶	مرد		*	*		وصف
۱۲۳	دشمن زنده	۹	۱۸۷	مرد		*	*		وصف
۱۲۴	ستیزه‌کار با پادشاه	۹	۱۹۰	مرد		*	*		وصف
۱۲۵	مست خرمن سوز	۹	۱۹۲	مرد	*		*		وصف
۱۲۶	مرد زشت‌کار	۹	۱۹۲	مرد		*		*	وصف
۱۲۷	مرد خطاکار	۹	۱۹۴	مرد		*		*	وصف
۱۲۸	سیه‌چرده	۱۰	۱۹۸	مرد	*		*		وصف
۱۲۹	مغ	۱۰	۱۹۸	مرد		*	*		وصف
۱۳۰	مست	۱۰	۱۹۹	مرد		*	*		وصف

۳. نمایه‌ی شخصیت‌های تاریخی – اسطوره‌ای بوستان، به ترتیب باب‌ها

شخصیت اصلی تعدادی از حکایت‌های بوستان، شخصیت‌های تاریخی هستند. منظور ما از شخصیت‌های تاریخی، شخصیت‌هایی است که ساخته و پرداخته‌ی ذهن سعدی نیستند؛ بلکه در عالم واقع، در یک برهه از زمان زندگی می‌کردند و به گونه‌ای در تاریخ تاثیر گذاشته‌اند یا به عبارتی دیگر، به اندازه‌ی نقش خود تاریخ‌ساز بوده‌اند؛ شخصیت‌هایی مانند سلطان محمود، مامون و... . منظور از شخصیت‌های اسطوره‌ای، کسانی هستند که جایگاه تاریخی آنان دقیقا معلوم نیست و تا حدودی با افسانه‌ها

www.SID.ir

Archive of SID

درآمیخته‌اند. کسانی چون جمشید، بهرام، نوشیروان و... در مجموع، شخصیت اصلی ۲۸ حکایت در بوستان جنبه‌ی تاریخی یا اسطوره‌ای دارند که فراوانی آن‌ها در جدول زیر آورده شده است:

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۱	انوشیروان	۱	۴۲	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۲	خسرو	۱	۴۳	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۳	شاپور	۱	۴۴	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۴	ابلیس	۱	۴۹		*		*		شخصیت شناخته شده
۵	دارا	۱	۵۳	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۶	ابن عبدالعزیز	۱	۵۴	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۷	تکله	۱	۵۵	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۸	قزل ارسلان	۱	۶۶	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۹	مامون	۱	۶۹	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۱۰	حاتم طایی	۲	۸۹،۹۲	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۱۱	دختر حاتم	۲	۹۲	زن		*	*		شخصیت شناخته شده
۱۲	بهرام	۲	۹۸	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۱۳	مجنون	۳	۱۰۸	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۱۴	محمود غزنوی	۳	۱۰۸	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۱۵	سعدی	۳	۱۰۹	مرد		*	*		وصف
۱۶	ملک صالح	۴	۱۲۷	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۱۷	عمر خطاب	۴	۱۳۴	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۱۸	سعدی	۶	۱۴۶	مرد	*		*		وصف
۱۹	سلطان تکش	۷	۱۵۴	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۲۰	پسرعضد	۷	۱۵۶	مرد			*		وصف
۲۱	سعدی	۷	۱۵۹،۱۶۵،۱۶۹	مرد		*	*		وصف
۲۲	فریدون	۷	۱۶۲	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۲۳	بقراط	۷	۱۶۷	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۲۴	طغرل	۸	۱۷۵	مرد					شخصیت شناخته شده
۲۵	سعدی	۸	۱۷۸	مرد		*	*		وصف
۲۶	جمشید	۹	۱۸۶	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۲۷	سعدی	۹	۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴	مرد		*	*		وصف
۲۸	ابلیس	۹	۱۹۰					*	شخصیت شناخته شده

۴. نمایه‌ی شخصیت‌های عرفانی- مذهبی بوستان به ترتیب باب‌ها

در ۱۱ حکایت از بوستان، شخصیت اصلی حکایت از گونه‌ی مذهبی- عرفانی است. ملاک ما برای تعیین این شخصیت‌ها که برخی جنبه‌ی تاریخی نیز دارند، براساس

www.SID.ir

Archive of SID

ویژگی یا توصیف برتر آن‌ها بوده است. در چند حکایت هم نقش اصلی را پیـامبران و امامان برعهده دارند که در این پژوهش جزو شخصیت‌های مذهبی - عرفانی بـه شـمار آمده‌اند. فراوانی شخصیت‌های عرفانی – مذهبی بوسـتان در جـدول زیـر نمـوده شـده است:

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۱	ابراهیم (ع)	۲	۸۰	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۲	شبلی	۲	۸۷	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۳	بایزید بسطامی	۴		مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۴	معروف کرخی	۴	۱۲۴	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۵	حاتم اصم	۴	۱۲۹	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۶	لقمان حکیم	۴	۱۳۱	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۷	جنید بغدادی	۴	۱۳۲	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۸	علی(ع)	۴	۱۳۳	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده
۹	ذوالنون مصری	۴	۱۳۴	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۱۰	باباکوهی	۵	۱۴۲	مرد	*		*		شخصیت شناخته شده
۱۱	یوسف(ع)	۹	۱۹۳	مرد		*	*		شخصیت شناخته شده

۵. نمایه‌ی شخصیت‌های تمثیلی بوستان به ترتیب باب‌ها

در ۶ حکایت، نقش اصلی شخصیت‌ها از گونه‌ی تمثیلی است کـه در مقایـسه بـا

www.SID.ir

Archive of SID

گونه‌های دیگر، کم‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. در تعریف شخصیت تمثیلی (allegorical character) آورده‌اند: «منظور از شخصیت تمثیلی، شخصیت جانشین شونده است؛ به این معنا که شخصیتی، جانشین فکر و خلق و خو و خصلت و صفتی می‌شود و کیفیتی انتزاعی، به صورت عینی تصویر می‌شود. بنابراین، این نوع شخصیت‌ها دو بعد دارند: بعد فکری و خصلتی که مورد نظر نویسنده و گوینده بوده است و بعدی که در آن مجسم می‌شوند.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۷۸) در جدول زیر شخصیت‌های تمثیلی حکایت‌های بوستان نموده شده است:

ردیف	شخصیت	باب	صفحه	جنس	ایستا	پویا	مثبت	منفی	ملاحظات
۱	کرم شب‌تاب	۳	۱۱۰		*		*		وصف
۲	پروانه	۳	۱۱۲		*		*		وصف
۳	شمع	۳	۱۱۴		*		*		وصف
۴	قطره باران	۴	۱۱۵			*	*		وصف
۵	کرکس	۵	۱۴۱			*	*		وصف
۶	گربه	۶	۱۴۹			*	*		وصف

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هم‌چنان که در بخش‌های پیشین این مقاله اشاره شد، بحث درباره‌ی شگردهای سعدی در گزینش و پرورش شخصیت‌های حکایت‌های بوستان، بسیار فراتر از حد یک مقاله است. به ناگزیر در این جستار شخصیت‌های اصلی حکایت‌ها را بررسی کردیم و آن‌ها را در چهار دسته‌ی: نوعی، مذهبی- عرفانی، تاریخی- اسطوره‌ای و تمثیلی جای دادیم و نمایه‌ی آن‌ها را به ترتیب فصل‌ها ارائه نمودیم. اما برای استفاده‌ی بیشتر، از بعضی زوایای دیگر هم به حکایت‌ها نگریستیم و مقولات ایستایی و پویایی، فراوانی، جنسیت و مثبت و منفی بودن شخصیت‌ها را نیز مشخص کردیم و در جدول‌های مربوط، در برابر آن‌ها ثبت کردیم.

از مجموع بررسی‌هایی که بر اساس مباحث بالا بر روی شخصیت‌های بوستان انجام گرفت، نتیجه‌های زیر به دست آمد:

۱. در مجموع، ۱۸۳ شخصیت اصلی در حکایت‌های بوستان حضور دارند که

www.SID.ir

Archive of SID

۱۳۰ نفر آن‌ها را شخصیت‌های «نوعی» یا «تیپیک» به خود اختصاص داده‌اند که چیزی حدود۷۱ درصد می‌شود. به کاربردن چنین شخصیت‌هایی که در بیشتر موارد هم با یای نکره همراه می‌شوند، می‌تواند بیان‌گر نوعیت یا فردیت باشد. مثلا وقتی می‌گوید: صاحب‌دلی، شاهدی، فرمانده‌ای، بازرگانی، پیری، شوریده‌ای، فقیهی و... بیشتر فردی از این مجموعه را که صفت‌ها، ویژگی‌ها، اعمال و رفتار مشخصی دارد، مطرح می‌کند که اغلب برای مخاطب شناخته شده است و احتیاج زیادی به پرورش آن نیست.

بحث «فردیت» و «نوعیت» به گونه‌ای در بحث احوال مسندالیه در کتاب‌های مربوط به دانش معانی مطرح شده (ر. ک: نوروزی،۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۴) و به نظر می‌رسد موضوع کلی آن در این‌جا هم صادق باشد. در مجموع، سعدی با انتخاب چنین شخصیت‌هایی، دامنه‌ی شمول اعمال، افکار و رفتار آن‌ها را گسترش داده و تا حدودی راه شخصیت‌پردازی را برخود هموارتر کرده است.

۲. از مجموع ۱۸۳شخصیت حکایت‌های بوستان، زنان فقط در ۵ حکایت نقش اصلی را برعهده دارند که این شمار، درصد بسیاراندکی است. نظیر این اتفاق در گلستان هم افتاده است: «... زنان در گلستان... حتی در همان صحنه و عرصه‌ی کوتاه حکایت هم کمینه نقشی برعهده دارند...» (اسکندری و ظهیر امامی، ۱۳۸۷: ۱۸) به نظر می‌رسد دلیل این امر هم بیشتر به بافت سنتی جامعه و اعتقادات و تنگناهای اجتماعی حاکم در آن دوره برگردد. گفتنی است از این تعداد زنانی که در حکایت‌های بوستان حضور دارند، همه‌ی آنان با چهره‌ای مثبت، نقش بازی می‌کنند.

۳. جالب است که از میان شخصیت‌های موجود در بوستان، ۶۷ نفر آن‌ها «پویا» هستند و شاید این نکته در مقایسه با متن‌های هم عرض دیگر، کم‌تر اتفاق افتاده باشد. این مطلب می‌تواند در تاثیر بخشی به روال حکایت‌ها موثر باشد و مخاطب لذت هنری بیشتری ببرد.

اکثریت «شخصیت‌های پویای بوستان» در حکایت‌های باب ۷ (در عالم تربیت) حضور دارند. تمام شخصیت‌های اصلی این باب (غیر از ۳ حکایت) پویا هستند. می‌توان از این موضوع این‌طور نتیجه گرفت که چون این بخش از بوستان به تربیت و آموزه‌های تربیتی اختصاص دارد، عنصر پویایی که لازمه و رکن اصلی مسایل تربیتی است، حضور پررنگ‌تری نسبت به سایر باب‌های این کتاب دارد. از زاویه‌ای دیگر، پویا

www.SID.ir

Archive of SID

بودن شخصیت‌های اصلی این باب و تغییراتی که در ا عمال و دیدگاه‌های آن‌ها در طی حوادث حکایت‌ها روی می‌دهد، به طور ضمنی و غیر مستقیم، خواننده را به سمت درس گرفتن و هوشیاری نسبت به پدیده‌های اطرافش راهنمایی می‌کند و انگیزه‌ی آن تهذیب اخلاقی را که مورد نظر عالمان این علم است، در خواننده‌ی این حکایات ایجاد می‌کند.

۴. تعداد شخصیت‌های مثبت در بوستان ۱۶۴ نفر است که تقریبا حدود ۸۹ درصد می‌شود و به نظر می‌رسد این مطلب هم بیشتر با جهان‌بینی و طرز نگریستن شیخ پیوند داشته باشد. در این زمینه می‌توان گفت که« سعدی در واقع می‌خواهد از طریق بیان زیبایی‌ها و کمال‌ها، مخاطبین خود را به خوبی و خیر و زندگی بهتر هدایت کند. همان چیزی که فراکاسترو (Fracastoro) آن را وظیفه‌ی شاعر می‌داند...» (صیادکوه، ۱۳۸۶: ۲۴)

انگیزه‌ی سعدی در گزینش شخصیت‌های مهم و مثبتی چون پیامبران، صالحان، حکیمان و عدالت‌پیشگان نیز با این مطلب پیوندی استوار دارد. شخصیت‌هایی چون حضرت ابراهیم، امام علی(ع)، انوشیروان، حاتم طایی، لقمان حکیم، فریدون، جمشید، بایزید بسطامی و... از این‌گونه هستند.

۵. سعدی خود ۱۲ بار در حکایت‌های بوستان، به طور مستقیم، نقشی برعهده گرفته است که فراوانی آن از همه‌ی شخصیت‌های دیگر بیشتر است. بیشترین حضور مستقیم او را در باب ۹ بوستان داریم.

۶. شیوه‌ی پرداخت شخصیت‌ها در بوستان، متعدد و گوناگون است. به برخی از این شگردها که جنبه‌ی عمومی‌تر و کلی‌تر دارد، در بخش ملاحظات جدول‌ها اشاره شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت پردازی سعدی را می‌توان در محورهای زیر جست‌وجو کرد:

۶.۱ شخصیت‌پردازی از طریق استفاده از شخصیت‌های شناخته شده: سعدی در بعضی از حکایت‌های بوستان با استفاده از شخصیت‌های مطرح در تاریخ و تاریخ ادبیات، مثل انوشیروان، دارا، بایزید بسطامی، شبلی، حاتم طایی و... با تکیه بر حافظه‌ی تاریخی، عرفانی، ادبی و اسطوره‌ای مخاطب خود و اشراف آن‌ها بر ویژگی‌های هر کدام از این افراد، به طور غیرمستقیم به شخصیت‌پردازی پرداخته است. به این معنی که

www.SID.ir

Archive of SID

مثلا در باب ۴ بوستان (که این عنصر بیشتر از همه در این فصل نمود پیدا کرده است) با استفاده از شخصیت‌های عرفانی مطرح در تاریخ ادبیات، با توجه به موضوع باب که تواضع است، ذهن خواننده را آماده می‌کند تا رفتاری متناسب با روحیه‌ی صوفیانه و عارفانه‌ی آن‌ها از این افراد سربزند و با تکیه بر ویژگی‌های خصوصی هر کدام از این شخصیت‌ها و خصوصیات اخلاقی کلی منصوب به جماعت صوفیان، حکایت‌های خود را با نتایج اخلاقی مشخص و مورد انتظار درباره‌ی موضوع باب، تمام می‌کند. مثلا در دومین حکایت باب ۴، بایزید بسطامی، بامداد یک روز از حمام بیرون می‌آید و طشت خاکستری برسرش ریخته می‌شود؛ اما بایزید، چه براساس ویژگی‌های شخصیتی خاص او که نقل شده و چه براساس خصوصیاتی کلی که از یک عارف نامی صاحب شهود می‌توان انتظار داشت، نه تنها اعتراض نمی‌کند، بلکه در کمال «تواضع»، حالی عارفانه به او دست می‌دهد و این‌طور نتیجه می‌گیرد که: بایزیدی که درخور آتش دوزخ است، چرا باید از خاکستری رنجیده شود و چون آتش سرکشی کند!؟

به این ترتیب، سعدی در یک حکایت پنج بیتی در نهایت ایجاز، تنها با استفاده از یک شخصیت معروف و استناد به نام او در نهایت سادگی و هوشمندی به شخصیت‌پردازی هنرمندانه پرداخته است. عمده‌ی شخصیت‌پردازی از این نوع را می‌توان در باب‌های ۱ و ۲ و ۴ مشاهده کرد.

۶.۲ استفاده از شخصیت‌های قالبی: با توجه به تعریف شخصیت قالبی، بعضی شخصیت‌ها هستند که در بوستان، به طور کلی یا در بعضی باب‌ها به شکلی جزیی تعریف شده، قالبی و مشخص هستند. مثلا هرجا از «عاشق» نام برده می‌شود، دیگر هیچ توضیحی درباره‌ی آن داده نمی شود؛ چراکه عاشق در بوستان سعدی شخصیتی پاک‌باخته و تسلیم بی‌قید و شرط معشوق است و هرگز از این صفات تخطی نمی‌کند. بنابراین هر جا عاشق وارد داستان می‌شود، تکلیف خواننده با این شخصیت کاملا روشن است و می‌داند باید چه انتظاری از او داشته باشد. از این دسته‌اند شخصیت‌هایی مثل پیر، صاحب‌دل، دیوانه‌ی هوشیار، پری‌پیکر، فرزانه‌ی حق پرست، مرد روشن‌ضمیر و....

۶.۳ به کارگیری صفت: در اکثر حکایت‌های بوستان از شخصیت‌های نوعی به عنوان شخصیت اصلی استفاده شده است. بیشترین آمار را این نوع شخصیت‌ها به خود

www.SID.ir

Archive of SID

اختصاص داده‌اند. از آن‌جایی که شخصیت نوعی، شخصیتی عام و عمومی است، سعدی برای این‌که به گونه‌ای آن‌ها را خاص کند تا تصویری متمایزتر با افراد نوع خود داشته باشند اغلب صفتی را به آن‌ها نسبت می‌دهد. مثلا در این حکایت که به شکل اتفاقی از بوستان انتخاب شده، در بیت اول آمده است: یکی خوب‌کردار خوش‌خوی بود/ که بدسیرتان را نکوگوی بود(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۳۴) «یکی» مرد یا زنی است که مثل تمام انسان‌ها به عنوان شخصیت نوعی، نماینده‌ی آدم هاست؛ اما این فرد ویژگی‌های خاصی دارد: خوب‌کردار و خوش‌خوی و نکوگوی بدسیرتان است! در عین حالی که این فرد شخصیتی عام است، اما با این ویژگی‌ها خاص شده و تصویری از او در ذهن ما شکل می‌گیرد که کمک می‌کند نوع رفتاری را که باید در حکایت از او سر بزند، پیش‌بینی کنیم.

۶.۴ وصف: سعدی علاوه بر شرح و بیان مستقیم خصوصیات شخصیت اصلی، از کنش و تقابل نیز برای وصف و معرفی غیر مستقیم شخصیت‌ها استفاده کرده است. یعنی به جای معرفی مستقیم شخصیت، با به سخن در آوردن شخصیت‌ها و یا با قراردادن دو شخصیت متضاد در تقابل با هم، به معرفی بیشتر کنش‌ها و اعتقادات و افکار می‌پردازد و به نوعی، کار شخصیت‌پردازی را آسان می‌سازد. نمونه‌ی توصیف مستقیم را می‌توان در حکایت‌های «ز دریای عمان برآمد کسی»(همان، ۴۶) و «مرا در سپاهان یکی یار بود» (همان، ۱۳۶) مشاهده کرد. در حکایت‌های «شنیدم که بگریست سلطان روم» (همان، ۵۵)، «بزارید وقتی زنی پیش شوی»(همان، ۸۳)، «سیه چرده‌ای را کسی زشت خواند» (همان، ۱۹۸) از طریق کنش و حکایت‌های «شنیدم که در مرزی از باختر» (همان، ۶۰)، «شکرخنده‌ای انگبین می‌فروخت»(همان، ۱۲۳) و «فقیهی برافتاده مستی گذشت»(همان، ۱۷۶) از عنصر تقابل برای وصف و شخصیت‌پردازی استفاده شده است.

۷. تنوع شخصیت‌ها در بوستان چشم‌گیر است که این امر با جامع‌نگری شخصیت خود سعدی در پیوند است. نگاهی به جدول‌ها این ادعا را ثابت می‌کند. شخصیت‌هایی که دامنه‌ی آن‌ها از قطره‌ی باران شروع می‌شود و تا آستانه‌ی پیامبران بزرگی چون حضرت ابراهیم یا پادشاهانی چون سلطان محمود، فریدون و نظیر آن‌ها ادامه می‌یابد. این تنوع شخصیت مانع کسالت خواننده از خواندن منظومه‌ای بلند، آن هم در اصول

www.SID.ir

Archive of SID

اخلاقی و تربیتی می‌شود و هضم این‌گونه مسایل را برای مخاطب آسان‌تر می‌کند.

۸. بعد از شخصیت‌های نوعی، به ترتیب، شخصیت‌های تاریخی- اسطوره‌ای، مذهبی- عرفانی وتمثیلی، بیشترین سهم را در حکایت‌های بوستان برعهده گرفته‌اند.

همان‌گونه که اشاره شد، در باب شخصیت‌گزینی و شخصیت‌پردازی در بوستان، گفتنی‌های بسیاری وجود دارد و چه بسا از زاویه‌های متعدد روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، نقد ادبی، داستان و... بتوان بدان‌ها پرداخت که از حوصله‌ی یک مقاله بیرون است؛ ناگزیر به همین اندازه بسنده می‌کنیم.

یادداشت

۱. شخصیت قالبی (stereotype): «شخصیت قالبی، شخصیتی است که نسخه بدل یا کلیشه‌ی شخصیت دیگری باشد. شخصیت قالبی از خود هیچ تشخصی ندارد. ظاهرش آشناست، صحبتش قابل پیش‌بینی است و نحوه‌ی عملش مشخص است؛ زیرا بر طبق الگویی رفتار می‌کند که ما با آن قبلا آشنا شده‌ایم... شخصیت‌های قالبی همیشه کاریکاتور نیستند،گاهی نویسنده می‌تواند آن‌ها را به عنوان شخصیت‌های نوعی نشان بدهد و بدین وسیله، کار شخصیت‌پردازی خود را ساده کند.» (میرصادقی،۱۳۷۷: ۱۷۹)

منابع

اسکندری، بهاءالدین و ظهیر امامی، پریسا. (۱۳۸۷). *بررسی عنصر شخصیت در گلستان سعدی*. (چاپ نشده است)

بهپور، باوند. (۱۳۷۵). *ساخت حکایت‌های باب نخست بوستان سعدی* (قسمت اول). روزنامه‌ی عصر، شماره ۲۴۶، شنبه ۱۳ بهمن ماه.

دادبه، اصغر. (۱۳۸۴). *بوستان*. شیراز: سعدی‌شناسی، دفتر هشتم.

سعدی، شیخ مصلح‌الدین. (۱۳۸۱). *بوستان*. تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی، چاپ هفتم

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۵). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: میترا.

صیادکوه، اکبر. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر زیبایی شناسی سعدی*. تهران: روزگار.

www.SID.ir

Archive of SID

غزالی، امام محمد. (۱۳۶۷). *نصیحه الملوک*. تصحیح جلال الدین همایی، تهران: هما.

غلام، محمد. (۱۳۸۷). «شگردهای داستان‌پردازی در بوستان». *نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۶۴، شماره مسلسل ۱۸۹.

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۷). *راهنمای داستان نویسی*. تهران: سخن.

میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *عناصر داستان*. تهران: سخن.

میرصادقی، جمال و میمنت. (۱۳۷۷). *واژه‌نامه‌ی هنر داستان نویسی*(فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی).تهران: کتاب مهناز.

نوروزی، جهانبخش. (۱۳۸۰). *میزان سخن پارسی(معانی و بیان)*. شیراز: کوشا مهر.

نیازکار، فرح. (۱۳۸۴). شیوه‌ی شخصیت‌پردازی در حکایات سعدی. *سعدی شناسی*، دفتر هشتم.

یوسفی، حسین علی. (۱۳۸۵). شخصیت پردازی در شیرین و خسرو. قند پارسی، *فصلنامه‌ی فرهنگ و زبان و ادب پارسی*، ۳۳-۳۴ (بهار-تابستان).

www.SID.ir